دوشنبه ۲ مهر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۳۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

مقاومت لبنان با موشک‌های حداقلی نشان داد صهیونیست‌ها نمی‌توانند به راحتی به مرزهای شمالی برگردند

گوشمالی از حیفا شروع شد

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

رژیم صهیونیستی با سه عملیات بزرگ خود در هفته گذشته به دنبال بازگرداندن ۲۰۰ شهرک‌نشین صهیونیست به منازل‌شان در شمال سرزمین‌های اشغالی بود اما بامداد روز گذشته (یکشنبه) دایره آتش مقاومت لبنان یک میلیون شهرک‌نشین را در تیررس قرار داد. زخمی شدن پنج هزار نفر طی عملیات انفجار پیجرها و بی‌سیم‌ها طی سه‌شنبه و چهارشنبه هفته گذشته، به جای آنکه باعث عقب‌نشینی مقاومت شود موجب شد تا این گروه جمعیت در تیررس خود از میان شهرک‌نشینان را پنج برابر بزرگ‌تر کند. بامداد یکشنبه مقاومت لبنان با ده‌ها موشک، راکت و پهپاد پیشرفته به عمق سرزمین‌های اشغالی حمله کرده و شعله‌های جنگ را به حیفا، دومین شهر بزرگ و مهم رژیم صهیونیستی کشاند. طبق گفته ارتش این رژیم، در این حملات بیش از ۱۵۰ پرتابه شامل موشک کروز، موشک‌های زمین به زمین و پهپاد استفاده شده است. حملات لبنان سه هدف اصلی داشته‌اند؛ شهر بندری «حیفا»، فرودگاه نظامی «رامات دیوید» و مجتمع‌های صنعتی نظامی «شرکت رافائل».

بندر حیفا نقطه ثقل جمعیتی و مدیریتی صهیونیست‌ها در شمال و همچنین محل اصلی واردات به سرزمین‌های اشغالی است. فرودگاه رامات دیوید ستون اصلی کنترل، نظارت و عملیات هوایی در منطقه شمال بوده و میزبان ده‌ها جنگنده اف-۱۶ و اف-۱۵ است. در سویی دیگر شرکت رافائل نیز تمام دارایی «تسلیحات تکنولوژیک» صهیونیست‌ها به شمار می‌رود. ضربه به این سه هدف نشان داد مقاومت لبنان حتی بدون ورود به جنگ می‌تواند آسیب‌هایی جدی به صهیونیست‌ها وارد کند؛ به عبارتی دیگر خط و خطوطی که پرتابه‌های مقاومت در تاریکی بامداد یکشنبه روی دیوار تأسیسات مهم رژیم صهیونیستی نقاشی کردند، دورنمایی از فضای واقعی جنگ با لبنان برای صهیونیست‌هاست. دولت نتانیاهو برای مدت‌ها این‌گونه می‌اندیشید که می‌تواند در فضای جنگ طوفان الاقصی که رژیم صهیونیستی هزینه‌های سنگینی متحمل شده، کار لبنان را نیز یکسره کند اما شکست در پروژه‌های سنگین علیه لبنان مانند نابودی زرادخانه موشک‌های استراتژیک مقاومت و همچنین توطئه کشتار هزاران نفر از لبنانی‌ها در انفجار پیجرها و بی‌سیم‌ها، به او فهماند ابعاد جنگ با لبنان قابل محدود کردن نیست. حملات سریع و سنگین دیروز، درحالی‌که در روزهای سه‌شنبه، چهارشنبه و جمعه سه عملیات سنگین علیه مقاومت لبنان اجراشده بود، برای صهیونیست‌ها و متحدان‌شان واقعیت‌های تلخ دیگری نیز داشت. مقاومت لبنان بلافاصله و در مدت کمتر از دو روز سطح کمی-کیفی عملیات‌های خود را بالا برد. اگر مقاومت لبنان با عملیات‌های سنگین تکنولوژیک، با نفوذ بالا و با هدف کشتار جمعیتی انبوه نه‌تنها ضعیف نشود بلکه شدت آتش خود را چند برابر کند، به این معناست که غرب با یک ساختار و تشکیلات بسیار پیچیده و قدرتمندتر از حد تصورش در منطقه طرف است. آخرین خط از اقدام علیه یک کشور و مجموعه به‌کارگیری قابلیت‌های کشتار جمعی است که هفته گذشته طی دو موج حمله به شکل بسیار ویژه‌ای علیه مقاومت لبنان اجراشد. صهیونیست‌ها مشت‌شان را زودتر از حد انتظار برای مقاومت باز کرده و بازی را به نقطه انتهایی کشاندند، اما یک شوت کات‌دار و از راه دور، تنها یک گل به حساب می‌آید. در مقابل مقاومت لبنان با تعداد نفرات و تسلیحات کمتر نسبت به صهیونیست‌ها به سادگی و با شلیک‌هایی که پیچیدگی کمتری داشته‌اند بارها دروازه تل‌آویو را گشوده است.

ویژگی مرحله جدید درگیری

عملیات روز یکشنبه و همچنین روند عملیات ماه‌های اخیر نشان می‌دهد کمیت و کیفیت تسلیحات به‌کارگرفته‌شده توسط مقاومت، تعداد پایگاه‌های مورد هدف در هر روز، عمق هدف‌گیری و ارزش اهداف همه رو به افزایشند. مقاومت لبنان که تا چندی قبل تنها با راکت یا تعدادی موشک ضد زره هدایت‌شونده به پایگاه‌های رژیم صهیونیستی حمله می‌کرد، امروزه علاوه‌بر استفاده بیشتر از این سلاح‌ها تسلیحات جدیدی مانند راکت‌های دوربرد و نقطه‌زن با کلاهک‌های شدیدالانفجار و پهپادهای انتحاری پیشرفته را نیز وارد درگیری‌ها کرده است. همچنین تعداد عملیات‌ها از نزدیک ۱۰ عملیات در روز به نزدیک ۲۰ مورد رسیده‌اند. به لحاظ عمق، حملات مقاومت از شمال الجلیل به نواحی مرکزی و جنوبی این منطقه و حتی فراتر از آن کشیده شده است؛ به‌گونه‌ای که حیفا در خارج از الجلیل نیز زیر آتش قرار گرفته است. از نظر ارزش اهداف، تا پیش از این پایگاه‌های نظارت مرزی هدف قرار می‌گرفتند اما امروزه به شکل پیوسته‌ای پایگاه‌های کنترل و نظارت هوایی، مقر یگان‌های رزمی، محل ذخیره سلاح و تدارکات و حتی مراکز تولید تسلیحات وارد بانک اهداف شده‌اند.

تحولات کلی روند جنگ

طی ماه‌های اخیر، درگیری‌های مرتبط با جنگ طوفان الاقصی دچار تحولاتی شده که در ادامه این تحولات مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱ استقرار زمینی محور مقاومت

براساس اخبار، آرایش زمینی نیروهای محور مقاومت طی ماه‌های گذشته دچار تغییر شده است. این اتفاق به‌طور ویژه پس از ترور شهید اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس در تهران رخ داد. ایران تهدید کرده پاسخ مناسبی و محکمی به این جنایت که تنها یک روز پس از تحلیف رئیس جمهور جدید این کشور صورت گرفت، خواهد داد. پس از این تهدید، بخشی از نیروهای محور مقاومت عازم سوریه شده و به‌طور خاص در اطراف جولان اشغالی موضع‌گیری کردند. حضور این نیروها به دو جهت انجام می‌شد؛ جهت اول اقدام آنها در جولان اشغالی در چهارچوب پاسخ محور مقاومت به ترور شهید هنیه بود به‌گونه‌ای که این‌گونه برداشت می‌شد که انتقام محور مقاومت می‌تواند عملیات آزادسازی جولان باشد. در جهت دوم، آرایش تهاجمی محور مقاومت در اطراف جولان به این دلیل صورت می‌گرفت تا اگر صهیونیست‌ها تصمیم گرفتند پس از حمله انتقام جویانه ایران دست به تحرکی بزنند، با ملاحظه احتمال آغاز عملیات آزادسازی جولان، از تداوم شرارت‌های خود منصرف شوند. فارغ از اهداف اعزام، نیروهای محور مقاومت در فضای پس از ترور شهید هنیه در اطراف جولان آرایش گرفتند. این اقدام باعث شد تا رژیم صهیونیستی تلاش کند تا با روسیه برای مین‌گذاری مناطق مرزی در استان قنیطره سوریه، به توافق برسد. نیروهای روس پس از عقب‌نشینی از منطقه این امکان را در اختیار صهیونیست‌ها قرار دادند؛ هرچند امروزه با تشدید تنش‌ها بار دیگر به مرزهای قنیطره با سرزمین‌های اشغالی بازگشته‌اند. اگر ترور شهید هنیه به مقاومت اجازه داد نیروهای زمینی بیشتری را در اطراف جولان مستقر کند، اقدام رژیم صهیونیستی علیه مقاومت لبنان که باعث زخمی شدن پنج هزار نفر و شهادت ده‌ها نفر از جمله هشت فرمانده اصلی یگان رضوان شده است، باعث شد این فضا در اختیار محور مقاومت قرار گیرد تا بخشی از نیروهای خود را به لبنان منتقل کنند. این نیروها برای جبران نیروهای از دست‌رفته و همچنین کمک به لبنانی که هزاران زخمی دارد به این کشور منتقل شده‌اند.

۲ ضربه به یگان‌های زمینی رژیم صهیونیستی

درهم‌کوبیدن مقرهای زمینی ارتش صهیونیست‌ها در شمال شدت گرفته است. در موج‌های اول، مقاومت لبنان پایگاه‌های شناسایی مرزی را درهم می‌کوبید اما با شنیده شدن زمزمه احتمال حمله رژیم صهیونیستی به سوریه و لبنان حملات به نقاط استقرار و تدارکات یگان‌های زمینی افزایش یافته است. این سیاست به میزانی جدی است که بارها مقرهای تیپ گولانی به عنوان مشهورترین یگان رزمی ارتش این رژیم، مورد تهاجم قرار گرفته است.

۳ تلاش نتانیاهو برای انداختن رژیم صهیونیستی در دامان جنگ

رژیم صهیونیستی تا پیش از جنگ طوفان الاقصی، براساس ارزیابی‌ها درصدد آمادگی برای حمله به لبنان بود. با وقوع جنگ در غزه بخشی از امکانات و ظرفیت‌های آنها از بین رفتند، اما نمی‌توان با اتکا به این اتفاق ادعا کرد صهیونیست‌ها از جنگ افروزی علیه لبنان منصرف شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد تل‌آویو امروزه دلیل دیگری برای حمله به لبنان یافته است. صهیونیست‌ها در هراس موجودیتی ناشی از جنگ طوفان الاقصی، احتمالا به دنبال انداختن خود در جنگی فراگیرند تا آمریکا ناگزیر به ورود به جنگ شود. براساس محاسبه تل‌آویو، اگر آنها بتوانند به شکلی ماهرانه در منطقه جنگی بزرگ برافروزند که طی آن احتمال پیروزی محور مقاومت نیز وجود داشته باشد، آمریکا برای جلوگیری از تغییر شدید موازنه قوا راه دیگری جز ورود به جنگ نخواهد داشت.

درهمین زمینه اسامه ابومراد، عضو دفتر سیاسی جماعت اسلامی لبنان که شاخه اخوان‌المسلمین در این کشور است، در اظهاراتی ویژه به سایت خبری عربی ۲۱ گفته است: «با وجودی که ارتش رژیم صهیونیستی به‌دلیل جنگ در غزه، درگیر بحران و شکست بزرگی شده و بسیاری از توانایی و امکانات خود را در این جنگ از دست داده و حمله زمینی برایش دشوار است اما دشمن اعتراف کرده با بحران موجودیتی روبه‌رو است و درنتیجه ممکن است دست به هر کاری بزند، ازجمله اینکه براساس قاعده وارد کردن متحدانش برای حفاظت از خود و تضمین بقا و تداوم خود، اقدام به حمله زمینی کند.» این اظهارنظر نشان می‌دهد طرح وارد کردن آمریکا به جنگ بزرگ منطقه‌ای به مراحل حساس خود رسیده است.

۴ شلیک تیر جنگی به سمت رافائل

دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان، چندی قبل در جریان یکی از سخنرانی‌های خود، صهیونیست‌ها را تهدید کرد درصورت ورود به جنگ، کارخانه‌های چند ده میلیارد دلاری مبتنی بر فناوری را در مدتی کوتاهی- که شاید نیم ساعت باشد- نابود می‌کند. بامداد یکشنبه مقاومت لبنان در شرایطی که هنوز به شکل رسمی جنگی درنگرفته است، کارخانه‌های رافائل را راکت باران کرد. شرکت رافائل شرکتی مشابه شرکت فناوری‌های نظامی نورثروپ گرومن آمریکاست که طیف متنوعی از تسلیحات را در حوزه‌های مختلف تولید می‌کند. سامانه‌های پدافند هوایی و ضدموشکی گنبد آهنین و فلاخن داوود، موشک‌های ضدتانک سری اسپایک، سامانه دفاع فعال تروفی که روی تانک نصب می‌شود و حتی شناورهای رزمی ازجمله تولیدات این شرکتند. ضربه به کارخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی این شرکت، ضمن ایجاد اشکال در مسلح شدن ارتش رژیم می‌تواند به کاهش شدید صادرات نظامی آن منجر شود.

صادرات سلاح رژیم در سال ۲۰۲۲ معادل ۱۲٫۵ میلیارد دلار بود که در سال ۲۰۲۳ به ۱۳٫۱ میلیارد دلار رسید. وزارت دفاع اسرائیل روز ۲۸ خرداد اعلام کرد ۳۶ درصد از صادرات سال ۲۰۲۳ مربوط به سامانه‌های موشکی، راکتی و پدافند هوایی بوده؛ سامانه‌هایی که سازنده آنها در رژیم صهیونیستی، عمدتا شرکت رافائل است. پس از تسلیحات موشکی و پدافندی، سامانه‌های راداری و جنگ الکترونیک (جنگال)، ایستگاه‌های تسلیحاتی و پرتابگرها هرکدام جداگانه ۱۱ درصد در سبد صادرات تسلیحاتی رژیم سهم داشته‌اند؛ سامانه‌هایی که رافائل سازنده آنها در سرزمین‌های اشغالی است. در یک محاسبه می‌توان دریافت بخش اعظم صادرات نظامی رژیم مربوط به رافائل است، همچنین بخش مهمی از تسلیحات مورداستفاده صهیونیست‌ها نیز ساخته این شرکتند.

حمله موشکی مقاومت لبنان به شرکت رافائل و شهر حیفا که مرکز فناوری این رژیم است، می‌تواند تبعات بزرگی برای صهیونیست‌ها داشته باشد. ایجاد مرکز فناوری و شرکت نظامی مبتنی بر فناوری در سرزمین‌های اشغالی مشابه تاسیسات و ساختارهای موجود در آمریکا ایجاد شده و در ارتباط تنگاتنگی با آنهاست. بخش فناوری پیشرفته به موازات نقشش در حفظ موجودیت و امنیت رژیم، نقشی بزرگی در اقتصاد آن دارد، به‌گونه‌ای که نزدیک به ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) و ۱۴ درصد اشتغال، مربوط به این بخش است.

۵ سرپوش جنگ لبنان

نتانیاهو قصد دارد برای کنترل مشکلات داخلی و خارجی خود از سرپوش جنگ استفاده کند. در همین رابطه اخیرا روزنامه انگلیسی گاردین گزارش کرده نتانیاهو پس از شکست در تأمین هدف‌های اعلام‌شده در جنگ علیه غزه، قصد دارد فضایی جنگی با لبنان ایجاد کند تا قادر به کنترل راست‌گرایان افراطی، ماندن در قدرت و مقابله با فشارهای آمریکا باشد. در این یادداشت آمده است: «تصمیم هفته گذشته «بنیامین نتانیاهو» و کابینه جنگ او برای آغاز «مرحله جدیدی» در این درگیری با هدف قرار دادن بدنه حزب‌الله در لبنان، آنچه را سرازیر شدن به سمت یک درگیری منطقه‌ای به نظر می‌رسد، تسریع کرده است.» گاردین در ادامه به زمان‌بندی مشکوک انفجار پیجرها و بی‌سیم‌ها اشاره کرده و آورده است: «مشخص است کارگذاشتن تله‌های انفجاری در پیجرها و بی‌سیم‌ها از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی شده بود. این مواد منفجره در هر زمانی ممکن بود منفجر شوند. چرا حالا؟ به این دلیل که نخست‌وزیر اسرائیل با شکست خوردن در هدف اعلامی خود مبنی بر «نابود کردن» حماس در غزه با وجود بیش از ۴۰ هزار کشته فلسطینی که عمدتا غیرنظامیانند، حالا می‌خواهد لبنان را به جبهه جدید جنگی بی‌پایان تبدیل کند.»

این روزنامه انگلیسی، ایده ادامه جنگ طوفان الاقصی در لبنان را مطرح می‌کند، زیرا به زعم نویسنده مطلب، ظرفیت جنگ در غزه به پایان رسیده و دیگر هدفی برای عملیات در این منطقه وجود ندارد و این به معنای توقف جنگ و باعث نارضایتی تندروهای کابینه نتانیاهو از وی است. راست‌های افراطی به هر شکل خواهان ادامه جنگ برای تسلط کامل بر فلسطین اشغالی و تأمین امنیت آن از طریق سرکوب مقاومت در مرزهای فلسطین اشغالی‌اند. مشکلات نتانیاهو اما فراتر از درخواست راست‌های افراطی است. در داخل جبهه بزرگی علیه او ایجاد شده است. ویدئوهایی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشرشده که نشان می‌دهد پلیس رژیم صهیونیستی، دان حالوتس، رئیس پیشین ستاد ارتش این رژیم را در زمان شرکت در تظاهرات مقابل منزل بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر این رژیم در قیساریه کتک می‌زند و روی زمین می‌کشد.

به نظر می‌رسد نتانیاهو «جنگ» را نسخه‌ای واحد برای درمان تمام مشکلات و بیماری‌های دولت خود درنظر گرفته و به هیچ عنوان از آن کوتاه نمی‌آید.

چند ساعت از پیجرها تا خودروهای تسلا

تا مدت‌ها تصور می‌شد کنترل زندگی روزمره مردم در دستان کسانی قرار گرفته که سرمنشأ فناوری‌ها در جهان را در اختیار دارند. به‌مرور اما واقعیت تلخ‌تری درحال رخنمایی است. وسایل تکنولوژیکی که برای رفاه حال مردم ساخته شده بودند، علاوه‌بر امکان کنترل زندگی روزمره استفاده‌کنندگانش، ظرفیت مرگ آنها را نیز در اختیار صاحبان فناوری‌ها قرار داده است. انفجار وسایل ارتباطی در لبنان طی هفته گذشته این واقعیت را برملا ساخت اما واقعه کنترل فناوری‌ها تنها منحصر به این کشور نماند.

روز شنبه ۳۰ شهریور، رمضان قدیروف، رئیس منطقه چچن در روسیه، در کانال تلگرامی‌اش اعلام کرد ایلان ماسک برجسته‌ترین فعال فناوری جهان و مالک شرکت تسلا، خودرو سایبرتراک او را از راه دور غیرفعال کرده است. قدیروف در همین راستا نوشت: «او [ایلان ماسک] از صمیم قلب هدایای گران‌قیمت می‌دهد اما سپس آنها را از راه دور غیرفعال می‌کند. حتما هدیه او، یعنی سایبرتراک را به یاد دارید که ما آن را به مسلسل مجهز کردیم و به جبهه فرستادیم.» قدیروف که تعدادی از خودروهای سایبرتراک را در اختیار دارد، با تجهیزشان به مسلسل‌های ۱۲٫۷ میلیمتری، آنها را به همراه یگان جنگجویان چچنی به جنگ اوکراین اعزام کرده است. ایلان ماسک احتمالا به همین بهانه آنها را از راه دور غیرفعال کرده است. قدیروف می‌گوید این خودرو مانورپذیر و خاص را پس از غیرفعال شدن همانند «اسب آهنی» به عقب منتقل کرده است؛ توصیفی که نشان می‌دهد چگونه صاحبان یک فناوری می‌توانند تولیدشان را از کار انداخته و یکی از شاهکارها را به پاره‌های آهن تبدیل کنند. جالب آنکه این اتفاق درحالی رخ داده که رژیم صهیونیستی تنها چند روز قبل از آن، در حمله‌ای که ابعاد کامل آن همچنان ناشناخته باقی مانده است، هزاران وسیله ارتباطی را در لبنان منفجر کرد که در پی آن هزاران نفر زخمی شدند. این وسایل ارتباطی نه در نهادهای نظامی، بلکه در موسسات غیرنظامی برای هماهنگی و ارتباط متنی و صوتی میان کارکنان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. پیجرها و بی‌سیم‌ها امروزه در بیمارستان‌ها، مدارس و موسسات خدماتی به شکل گسترده‌ای پخش شده‌اند. پررنگ‌ترین سناریو درخصوص این حوادث، بمب‌گذاری آنها در کارخانه و سپس منفجر کردن آنها از طریق ارسال پیام به این دستگاه‌ها و اختلال در عملکرد باتری‌شان است؛ به‌گونه‌ای که با افزایش دمای باطری و انفجار آنها، مواد منفجره به کاررفته نیز بلافاصله فعال شده‌اند. در واقعه لبنان که با هدف کشتار وسیع صورت گرفت، ۵ هزار نفر به‌شدت زخمی شدند. تنها تعداد کسانی که چشمان خود را از دست داده‌اند به بیش از ۵۰۰ نفر می‌رسد.

روشدن دست

برای مدت‌ها به شکل منطقی، امکان سوءاستفاده طراحان و صاحبان فناوری‌ها، از دستاوردهایشان که به‌وفور در جهان پراکنده شده، مورد توجه قرار گرفته بود اما استدلال‌هایی وجود داشت که حکایت از عدم حرکت به سمت سوءاستفاده از این ظرفیت داشت. اعتقاد بر این بود که سوءاستفاده مستقیم از فناوری‌ها علیه مردم و کشورها باعث رویگردانی آنان از فناوری می‌شود که نتیجه آن زیان اقتصادی شرکت‌های فناور است. با این حال اقدامات نتانیاهو و ماسک نشان می‌دهد رژیم‌ها و شرکت‌های فناور، احساس می‌کنند به اندازه‌ای بر فناوری مسلطند که دیگر سوءاستفاده آنان از دارایی‌هایشان موجب زیان اقتصادی نمی‌شود.

دوره فشرده رسانه در ضاحیه جنوبی

علیرضا نادری
خبرنگار

اولین سخنرانی سیدحسن نصرالله در واکنش به حادثه تروریستی انفجار پیجرها در لبنان دارای ظرایف رسانه‌ای خاصی بود. وی حادثه تروریستی روزهای اخیر را مصداقی از «یک ضربه بزرگ امنیتی و انسانی بی‌سابقه» و «برتری تکنولوژیکی دشمن» توصیف کرد. جملاتی که نه‌تنها شامل واقعیت‌های میدان، بلکه بخشی از یک روایت هوشمندانه در تصویرسازی از رژیم صهیونیستی است. در جهانی که جنگ‌ها در بستر رسانه‌ها و روایت‌ها جریان دارند، چنین رویکردی ضرورت مقاومت را نمایان می‌کند.

در اصول روایت سر فصل مهمی تحت عنوان قهرمان (Hero) و ضدقهرمان (Antihero) وجود دارد. قهرمان، شخصیت مثبت و اصلی داستان است و ضد قهرمان در نقطه مقابل قرار دارد. نقطه کانونی ماجرا بر محور تقابل این دو تعریف می‌شود اما کیفیت ماجرا به طرز چشمگیری وابسته به نحوه روایت ضدقهرمان است؛ روایت ضدقهرمان به‌گونه‌ای که قدرت قهرمان به خوبی درک شود، یکی از ظرایف مهم روایت است. قهرمان بدون چالش معنادار، نزد مخاطب وجهه چندانی ندارد و ضدقهرمان نیز بدون قدرت و انگیزه، تهدیدی برای قهرمان به حساب نمی‌آید. ضدقهرمان در واقع نماینده چالش‌ها و موانعی است که قهرمان باید بر آنها غلبه کند. اگر ضدقهرمان به درستی روایت نشود، مخاطب نمی‌تواند به اندازه کافی با کشمکش‌های قهرمان ارتباط برقرار کند و بنابراین پیروزی یا موفقیت قهرمان بی‌اهمیت به نظر می‌رسد.

یکی از مصادیق این امر را می‌توان مواجهه محور مقاومت با رژیم صهیونیستی دانست. حال سوال اینجاست که روایت ما از این مواجهه، چه نسبتی با واقعیت داشته و دارد؟ آیا ضدقهرمان و قدرت او را به درستی روایت کرده‌ایم یا همیشه با توجیه مدیریت افکار عمومی، سعی بر سرپوش گذاشتن بر آسیب‌ها و ضعیف جلوه دادن دشمن بوده‌ایم؟ مساله‌ای که حتی رد پای آن در آثار سینمایی دفاع قدس نیز قابل مشاهده است. در شرایطی که جامعه و مخاطب درک صحیحی از قدرت دشمن نداشته باشد، تصورش از مواجهه با دشمن نیز تصوری کارتونی است و نسبتی با واقعیت ندارد. موضوعی که مصادیق آن را در رخدادهای مختلف امنیتی نظامی یک سال اخیر می‌توان جست‌وجو کرد؛ برای این مخاطب دریافت ضربه از دشمن قابل پذیرش نیست و در صورت رخداد کوچک‌ترین حادثه سریعا به دستگاه امنیتی و نظامی هجمه می‌کند. برای مواجهه و پاسخ متقابل صبر ندارد و عملیات حساب شده بر مبنای گذر زمان را تاب نمی‌آورد. پاسخ را نیز چندان دستاوردی به حساب نمی‌آورد و از کنار آن عبور می‌کند؛ زیرا در عالم ذهنی او، ضربه خوردن از دشمن ضعیف چندان منطقی نیست و ضربه متقابل به او نیز یک اتفاق معمول به حساب می‌آید.

سخنان سیدحسن نصرالله از این جنبه حائز اهمیت است که او بر عکس سیاست رسانه‌ای مرسوم در پی انکار ماجرا برنمی‌آید و قدرت دشمن در حادثه تروریستی اخیر را بیان می‌کند. در شرایطی که مخاطب و به‌خصوص جامعه لبنان حجم خسارات ناشی از حمله تروریستی را با چشم مشاهده کرده، انکار ماجرا یا کوچک‌نمایی آن، نه‌تنها افکار عمومی را مدیریت نمی‌کند، بلکه به مخاطبان احساس تحمیق و سلب اعتماد منتقل می‌کند. اما نحوه مواجهه سیدحسن نصرالله با ماجرا منجر به تقویت احساس همدلی عمومی و اعتماد به گوینده می‌شود زیرا جامعه از این جنس روایت حس صداقت دریافت می‌کند. این سخنان یک استراتژی روایت‌محور قدرتمند را به نمایش می‌گذارد؛ استراتژی‌ای که بر مبنای معرفی اسرائیل به عنوان یک ضدقهرمان قدرتمند و خطرناک استوار است. چنین رویکردی با ایجاد درک عمیق‌تر از قدرت دشمن، به مشروعیت و ضرورت مقاومت جان می‌دهد.